

نگاهی اخلاقی به تحریم‌های منشوری با لحاظ تأثیرات حقوقی آن بر نسل دوم حقوق بشر

^۱ حسین اخوان

^۲ سید باقر میرعباسی

^۳ ابومحمد عسگرخانی

چکیده

از زمان تأسیس سازمان ملل تا سال ۲۰۱۵ کشورهای زیادی براساس فصل هفت منشور تحت تحریم شورای امنیت قرار گرفته اند. افزایش اعمال تحریم از جانب شورای امنیت نگرانی فزاینده‌ای را در ارتباط با خسارات وارده بر شهروندان کشورهای تحت تحریم موجب گردید. تحقیقاتی که درخصوص اثرات تحریم در کشورهایمانند عراق، هائیتی، لیبی و ایران انجام شده، حاکی از آن است که این تحریم‌ها موجب افزایش شدید مرگ و میر کودکان، گسترش فقر، مهاجرت، کمبود مواد غذایی و دارو و سایر نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی گردید. در نتیجه، مباحث گسترده‌ای در سطح سازمان ملل و خارج آن در خصوص انتقاد از تحریم‌های شورای امنیت و همچنین مسئولیت آن شورا در قبال نقض حقوق بشر به‌ویژه نسل دوم حقوق بشر شهروندان مطرح است. در این نوشتار، ابعاد حقوق بشری تحریم‌های منشوری بر نسل دوم مورد بررسی قرار گرفته است. به عقیده نگارنده، تحریم‌های شورای امنیت به دلیل تأثیرات منفی شدید آن بر کشورهای هدف، در انطباق با هنجارهای حقوق بشری به ویژه حقوق اقتصادی و اجتماعی و اعمال این تحریم‌ها منجر به نقض فاحش حقوق بشر می‌گردد. در حالی که منشور سازمان ملل، آن سازمان را به "ارتقا و احترام به حقوق بشر" متعهد نموده است، اعمال تحریم‌های اقتصادی توسط شورای امنیت نقض مفاد منشور بوده و مسئولیت نقض حقوق بشر را متوجه آن شورا می‌نماید.

واژگان کلیدی

شورای امنیت، تحریم‌های منشوری، حقوق بشر، نسل دوم حقوق بشر، حقوق اقتصادی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

Email: Akhavan2271@yahoo.com

۲. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول)
Email: mirabassi@ut.ac.ir

۳. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
Email: asgarkhani@ut.ac.ir

طرح مسأله

نوشتار زیر در مورد آثار تحریم‌های منشوری شورای امنیت سازمان ملل برنسل دوم بشر در حوزه بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحقیق می‌کند. هدف از این پژوهش این است که به بررسی ابعاد حقوق بشری تحریم‌های منشوری سازمان ملل متحد بپردازد. تحقیق حاضر در پی آن است که نشان دهد تحریم‌های منشوری در انطباق با هنجارهای بین‌المللی حقوق بشری نبوده و به عبارت بهتر، شورای امنیت در اتخاذ تصمیمات خود از جمله اعمال تحریم‌ها توجهی به حقوق بشری نداشته و حتی با اعمال تحریم باعث نقض هنجارهای *erga omnes* می‌شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد متعهد به "ارتقاء و تشویق به احترام به حقوق بشر" است. به عبارتی براساس مفاد منشور و قواعد آمره، قدرت اجرایی شورای امنیت محدود به رعایت هنجارهای حقوق بشر است. شورا باید در استفاده از قدرت خود برای حفظ صلح و امنیت براساس اهداف و اصول سازمان ملل عمل نماید. (ماده ۲۴ منشور) مهم‌ترین اصول و اهداف منشور که در ماده یک ذکر شده توجه و احترام به ارتقای حقوق بشر است. مطابق مواد ۵۵ و ۵۶ منشور تشویق احترام به حقوق بشر... استانداردهای بالاتر زندگی، اشتغال کامل و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی... و احترام جهانی برای رعایت حقوق بشر است. ماده ۵۶ منشور ملل متحد به تعهد همه اعضا برای دستیابی به اهداف مندرج در ماده ۵۵ اشاره می‌کند. ماده ۶۲ منشور ملل متحد به شورای اقتصادی و اجتماعی، مأموریت داد توصیه‌هایی به هدف ترویج احترام و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه ارائه کند به علاوه، تعداد بیشماری از کنوانسیون‌ها و معاهدات حقوق بشری در درون سیستم سازمان ملل مورد مذاکره و تصویب قرار گرفته‌اند. از نظر فنی، شورای امنیت مانند دولت‌ها عضو این معاهدات نیست ولی هر یک از این معاهدات در واقع تفسیر و تبیین دیدگاه‌های حقوق بشری منشور هستند که این امر شورای امنیت را از طریق ماده ۲۴ منشور به اصول این معاهدات متعهد می‌نماید. از آنجاییکه شورای امنیت که یکی از ارکان اصلی سازمان ملل محسوب می‌شود با اجرای تحریم‌های اقتصادی، حقوق بشر شهروندان کشورهای تحت تحریم را نقض می‌نماید. پژوهش حاضر در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول محدودیت‌های حقوقی تحریم‌های منشوری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش دوم به آثار منفی تحریم‌های منشوری بر نسل دوم حقوق بشر پرداخته شده است.

پیشینه تحریم‌های منشوری

تحریم‌های منشوری تنها دو بار در طول چهار دهه گذشته اعمال شده بود،^۱ در حالی که از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۵ شورای امنیت ۲۸ مورد تحریم را مورد تصویب قرار داد.^۲ افزایش اعمال تحریم از جانب شورای امنیت که عمدتاً ناشی از پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام بین‌المللی دو قطبی بوده است، نگرانی فزاینده‌ای را در ارتباط با خسارات انسانی و یا "پیامدهای ناخواسته" تحریم‌ها بر افراد غیرنظامی کشورهای تحت تحریم موجب شده است. دهه ۱۹۹۰ توسط برخی از صاحب‌نظران به عنوان "دهه تحریم" نام گرفته است (Cortright, 2014: 1). تعدادی دیگر از صاحب‌نظران آن را به عنوان دهه "تجدید حیات شورای امنیت که طی آن شورا به اعمال اختیارات مبتنی بر منشور خود به شیوه‌ای فعال و قابل انعطاف اقدام نموده است"، توصیف نمودند (Dedring, 2013: 2). باتوجه به افزایش نگرانی‌ها درباره خسارات وارده از تحریم‌ها علیه غیرنظامیان، تلاش‌ها نیز برای ارزیابی این خسارات به منظور حذف و یا حداقل کاهش اثرات منفی آن‌ها آغاز گردید. شورای امنیت سازمان ملل با آگاهی از عواقب ناشی از تحریم و تحت فشار افکار عمومی جهان، خود رهبری تحقیقات در این زمینه را بر عهده گرفت. در نتیجه، در سال ۱۹۹۵ نمایندگان پنج عضو دائم شورای امنیت، یعنی چین، فرانسه، فدراسیون روسیه، بریتانیا و ایالات متحده نامه‌ای خطاب به رئیس شورای امنیت درخصوص موضوع "تأثیر بشردوستانه تحریم"^۳ ارسال نمودند.^۴ در این نامه، پنج عضو دائم تأکید کردند: "ضمن شناسایی ضرورت حفظ تحریم‌های اعمال شده بر اساس منشور ملل متحد، اقدامات جمعی بیشتری می‌بایست برای کاهش عوارض جانبی منفی و ناخواسته تحریم‌ها بر بخش‌های آسیب‌پذیر کشورهای تحت تحریم انجام گیرد"^۵. پنج سال بعد (۱۷ آوریل ۲۰۰۰) شورای امنیت یک گروه کاری غیررسمی به منظور بررسی اثرات ناخواسته تحریم‌ها و معافیت‌های انسان‌دوستانه^۶ تأسیس

۱. دو کشوری که قبل از ۱۹۹۰ مشمول تحریم سازمان ملل شده بودند عبارت بودند از: آفریقای جنوبی از ۱۹۹۴

الی ۱۹۹۷ و رودزبای جنوبی از ۱۹۶۶ الی ۱۹۹۷.

۲. این موارد عبارتند از: عراق ۱۹۹۱، یوگسلاوی ۱۹۹۱، سومالی ۱۹۹۲، لیبی ۱۹۹۲، صربستان و مونته‌نگرو

۱۹۹۲، لیبیا ۱۹۹۲، صرب‌های بوسنی ۱۹۹۳، هائیتی ۱۹۹۳، آنگولا ۱۹۹۳، رواندا ۱۹۹۴، سودان ۱۹۹۶، سیرالئون

۱۹۹۷، یوگسلاوی ۱۹۹۸، افغانستان ۱۹۹۹، اریتره و اتیوپی ۲۰۰۰، لیبیا ۲۰۰۱، کنگو دموکراتیک ۲۰۰۳، لیبیا

۲۰۰۳، سودان ۲۰۰۴، ساحل عاج ۲۰۰۴، لبنان (حریری) ۲۰۰۵، کره شمالی ۲۰۰۶، ایران ۲۰۰۶، لیبی ۲۰۱۱،

طالبان ۲۰۱۱. ایران ۲۰۱۵

3. Humanitarian Impact of Sanctions

4. United Nations Security Council, document S/1995/300 dated 13 April 1995.

5. United Nations Security Council, annex of the document S/1995/300

6. Humanitarian Exemptions

نمود^۱. در سال ۲۰۰۶، گروه کاری مذکور گزارش خود را به شورای امنیت ارائه نمود^۲. شورای امنیت همچنین سه نشست در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ برای بحث پیرامون تأثیرات منفی تحریم‌ها برگزار نمود. اظهارات نمایندگان دولت‌ها در این جلسات به خوبی نگرانی‌های کشورهای عضو را به تصویر می‌کشد. در همین نشست، نماینده عراق که کشورش در آن هنگام تحت تحریم‌های همه‌جانبه شورای امنیت قرار داشت با اشاره به گزارش سفیر آموریم^۳، رئیس پانل شورای امنیت در مورد وضعیت انسانی در عراق اظهار داشت:^۴ "تصویر دقیق از اثرات فاجعه‌باری که تحریم‌ها بر روی تمام جنبه‌های زندگی در عراق داشته‌اند، بیانگر ... افزایش شدید در میزان مرگ و میر، به خصوص در میان مادران و کودکان، سوء تغذیه شدید در میان بخش بزرگی از کودکان، وخامت جدی در زیرساخت‌ها، به ویژه منابع آب، شبکه‌های فاضلاب، شبکه برق، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، کاهش ثبت نام کودکان در مدارس تا ۵۳ درصد - فقر فرهنگی و فکری و همچنین تخریب بافت‌های اجتماعی کشور به طور کلی است."^۵ مجمع عمومی سازمان ملل که برخلاف شورای امنیت از عضویت تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد برخوردار است، به منظور مشارکت در بحث‌های جاری در مورد تحریم، قطعنامه‌ای را در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۷ تحت عنوان "مکمل دستور کار برای صلح"^۶، ضمیمه ۲ که در خصوص "موضوع تحریم‌های اعمال شده توسط سازمان ملل متحد" است تصویب نمود که در آن آمده است: در حالی که نیاز به حفظ اثر تحریم‌های اعمال شده مطابق با منشور وجود دارد، عوارض جانبی ناخواسته بر مردم غیرنظامی باید با معافیت بشردوستانه مناسب در قطعنامه‌های شورای امنیت به حداقل برسد. رژیم تحریم نیز باید ایجاد شرایط مناسب برای عرضه کافی کمک بشردوستانه به جمعیت غیرنظامی را تضمین نماید."^۷

تحریم‌های منشوری و حقوق بشر

سؤال اساسی این است به چه میزان باید حقوق بشر را در ارزیابی پیامدهای تحریم دخالت داد؟ زیرا توجه به حقوق بشر در این خصوص مستلزم قضاوت در خصوص تعهدات قانونی افراد خاص یا اشخاص درگیر در تحریم (دولت تحت تحریم، نهاد تحریم‌کننده و دیگر کشورهای

1. Security Council Resolution S/2000/319
2. Security Council Resolution S/2006/997
3. Ambassador Amorim
4. S/1999/356 dated 30 March 1999
5. Statement of Representative of Iraq at the 4128th Meeting of the Security Council 17 April 2000
6. Supplement to an Agenda for Peace
7. United Nations General Assembly Resolution A/RES/51/242, Annex II

عضو میثاق‌ها و معاهدات حقوق بشری) در حفظ و پاسداری از این حقوق است" (OCHA, 13: 2009). در هر حال، تعریفی که دفتر هماهنگی حقوق بشردوستانه OCHA برای شرایط انسانی زندگی ارائه می‌دهد و به طور مستقیم به بقای فیزیکی، سلامت و رفاه، و جنبه‌های مهم توسعه انسانی ارتباط پیدا می‌کند به همان اندازه قابل استفاده برای وضعیت حقوق بشر تحت میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. حقوق بشر به‌عنوان حقوق افراد جهان شمول، مستقل و غیرقابل تفکیک است. حقوق اساسی بشر که به موجودیت افراد ارتباط پیدا می‌کند غیر قابل تأویل است. ایده آل‌های حقوق بشر آرمانی، هنجاری و تجویزی هستند (هر فرد باید قادر به بهره‌مندی کامل از حقوق بشر خود باشد). شاید مهم‌تر از همه، حقوق بشر اعطا حق می‌کند و تعهدات حقوقی را هم در چارچوب حقوقی و هم اخلاقی تعریف می‌کند. از آنجا که حقوق بشر، حق ایجاد می‌کند و قابل تضعیف یا حذف نیست لذا قابل اندازه‌گیری هم نیست" (OCHA, 13: 2009). با افزایش فشار افکار عمومی بین‌المللی متعاقب فاجعه انسانی در کشورهای تحت تحریم به‌ویژه در کشورهایی مانند هائیتی و عراق، نهادهای غیردولتی بین‌المللی از جمله مؤسسات تحقیقاتی در غرب و آژانس‌ها و نهادهای حقوق بشری سازمان ملل به روشنی به ارتباط میان تحریم‌ها و حقوق بشر پرداخته و تحقیقات و مواضعی را در خصوص اثرات منفی تحریم بر حقوق بشر شهروندان ابراز داشتند. تلاش‌ها و تحقیقات انجام‌شده در سطح سازمان ملل در این ارتباط به شرح ذیل قابل احصا است و مفصل آن در بخش‌های بعدی مورد اشاره قرار خواهند گرفت:

- گزارش میچل به مجمع عمومی در سال ۱۹۹۶^۱،

- نظریه تفسیری کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR) شماره ۸ مورخ ۱۹۹۷ تحت عنوان "رابطه بین تحریم‌های اقتصادی و احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی"^۲،

- قطعنامه‌ها و تصمیمات کمیسیون فرعی ارتقا و حمایت از حقوق بشر در سال‌های ۱۹۹۱، ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸،

- ملاحظات کمیته حقوق کودک در ارتباط با تحریم اقتصادی عراق و تأثیر آن بر کودکان^۳، ۱۹۹۸،

1. The Machel Report, A/51/306, 24 August 1996.

2. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, *General Comment No.8*, Document E/C.12/1997/8

3. Concluding Observations of the Committee on the Rights of the Child: Iraq (CRC/C/15/Add.94)

- گزارش صندوق کودکان سازمان ملل ۱۹۹۸،^۱

- گزارش دفتر کمیسر عالی حقوق بشر در خصوص تأثیرات حقوق بشری تحریم‌های اقتصادی بر عراق سال ۲۰۰۰.^۲

- گزارش بوسیوت به کمیسیون فرعی تحت عنوان نتایج منفی تحریم‌های اقتصادی بر بهره‌مندی از حقوق بشر سال ۲۰۱۰ (Bossuyt, 2010:7)،

در حوزه تحقیقاتی خارج از سازمان ملل، تعدادی از پژوهشگران متخصص در امور تحریم‌ها از جمله الیزابت گیبونز و ریچارد گارفیلد در تحقیقات خود پیرامون اثرات تحریم بر مردم هائیتی اظهار داشتند که تحریم در هائیتی منجر به "نقض گسترده حقوق بشر شهروندان هائیتی" شده است (Gibbons and Garfield, 1999: 1499-504) سال ۱۹۹۶ یک سازمان تحقیقاتی غیردولتی در آمریکا تحت عنوان مرکز حقوق اقتصادی و اجتماعی، هیأتی مرکب از ۲۴ پژوهشگر که عمدتاً متخصص در زمینه بهداشت عمومی بودند را برای تحقیق پیرامون تأثیر تحریم‌های سازمان ملل و ارزیابی این که آیا این تحریم‌ها منجر به نقض حقوق بشر شده‌اند تعیین نمود. این گروه در پایان تحقیقات خود نتیجه‌گیری نمود که "موضوع عراق نشان داد که چرا اعمال تحریم جایگزین انسانی مناسبی برای جنگ نیست (Cortright and Lopez, 1998: 741)". این گروه "شورای امنیت سازمان ملل را در قبال نقض حقوق بشرپاسخگودانست" (Center for Economic and Social Rights, 1996: 42) و موضوع رابطه بین تحریم‌های اقتصادی و نقض حقوق بشر را برجسته نمود. در مقدمه گزارش گروه مذکور آمده است: "شش سال پس از سخت‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ شورای امنیت، قدرت دولت صدام حسین کاهش نیافته است ولی این تحریم‌ها اثرات ویران‌کننده‌ای بر اقشار آسیب‌پذیر عراق به ویژه کودکان داشته است. براساس تحقیقات آژانس‌های سازمان ملل، نرخ مرگ و میر کودکان به دلیل سوءتغذیه و بیماری از زمان تحمیل تحریم‌های سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ پنج برابر شده که منجر به مرگ بیش از ۵۰۰ هزار کودک زیر سن ۵ سال گردیده است. به عبارت دیگر، تعداد کودکان عراقی که به‌خاطر تحریم مرده‌اند بیش از مجموع افرادی است که در بمب‌هسته‌ای آمریکا در ژاپن و پاک‌سازی قومی در یوگسلاوی سابق کشته شده‌اند".

1. Nutritional Status Survey of Infants in Iraq, UNICEF 1998.

2. The Human Rights Impact of Economic Sanctions on Iraq, Background Paper Prepared by the Office of the High Commissioner for Human Rights, 5 September 2000.

ماهیت تحریم‌های منشوری

دراساسنامه منشور سازمان ملل از واژه تحریم استفاده نشده است. ولی عبارت تحریم‌های منشوری عموماً برای اشاره به اقدامات غیرمسلحانه ولی الزامی و تعهدآور استفاده می‌شود که علیه دولت یا بازیگر غیردولتی خاصی توسط شورای امنیت سازمان ملل اعمال می‌شود. براساس ماده ۴۱ منشور، این اقدامات می‌تواند شامل قطع کامل یا نیمه‌کامل روابط اقتصادی، راه‌آهن، دریا، هوا، پست، تلگراف، رادیو و دیگر راه‌های ارتباطی و قطع روابط دیپلماتیک باشد. تحریم‌های منشوری که پس از جنگ سرد به شدت افزایش یافت نگرانی‌هایی را درخصوص تأثیرات مخرب آن‌ها بر مردم بی‌گناه کشور یا بازیگر دیگر ایجاد کرده است. موضوع جنبه‌های مختلف تحریم‌های سازمان به‌ویژه اثرات مخرب آن‌ها بر شهروندان عادی و نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی موضوع اصلی این نوشتار است که در بخش‌های بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت ولی قبل از آن به طور خلاصه به سازوکار تحریم در جامعه ملل اشاره می‌شود تحریم به طور عمومی به عنوان یک ابزار نیرومند شناخته می‌شود. بکارگیری این سلاح نیرومند این نکته اخلاقی را به‌وجود می‌آورد که آیا آلامی که بر مردم آسیب‌پذیر کشور تحت تحریم وارد می‌شود راه مشروعی برای اعمال فشار بر دولتمردان آن کشور محسوب می‌شود؟ دولتمردانی که رفتار آن‌ها به نظر نمی‌رسد که با وضعیت اسفبار اتباعشان تغییری پیدا بکنند. تحریم‌ها همواره پیامدهای ناخواسته و نامطلوب دارند."

دبیرکل سابق سازمان ملل، پطرس غالی ۲۵ ژانویه ۱۹۹۵ همانند جامعه ملل، سازمان جهانی جدید که پس از جنگ دوم جهانی تأسیس شد (سازمان ملل متحد) نیز دارای سازوکار تحریم برای اجرای تصمیمات خود برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی شد. منشور سازمان ملل به شورای امنیت این قدرت را داد تا به اجرای تحریم‌ها پرداخته و کشورهای عضو را متعهد به انجام این مصوبات نمود. فصل پنجم منشور ملل متحد وظایف و قدرت شورای امنیت را برمی‌شمارد. ماده ۲۴ (۱) منشور اشعار می‌دارد: "به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نمایند و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد از طرف آن‌ها اقدام نماید". براساس فصل هفتم منشور، شورای امنیت می‌تواند اقدامات الزامی و اجباری برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نماید. این اقدامات هم شامل تحریم‌های اقتصادی و یا غیراقتصادی بدون استفاده از نیروی مسلح و هم شامل اقدامات مسلحانه بین‌المللی می‌گردد. در واقع، فصل هفتم منشور، مشتمل بر مواد ۳۹ تا ۵۱ منشور، اختیار قانونی بسیار بیشتری در مقایسه با جامعه ملل به شورای امنیت اعطا می‌کند. مواد ۳۹ و ۴۱ اصول حیاتی حاکم بر اعمال تحریم‌ها هستند. ماده ۳۹ اشعار می‌دارد:

"شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی برطبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود".

ماده ۴۱ فهرست جامعی از اقدامات اجباری غیرمسلحانه را که می‌تواند توسط شورای امنیت به کار گرفته شوند در مقابله با تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احصاء می‌نماید. بر اساس این ماده:

"شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن به کارگیری نیروی مسلح نباشد لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد".

زمانی که شورای امنیت وضعیت تجاوز، تهدید علیه صلح یا نقض صلح را احراز نمود، براساس ماده ۳۹ منشور می‌تواند تحریم‌های الزام‌آور را اعمال نماید. طیفی از تحریم‌ها در اختیار سازمان ملل قرار دارد. اگر یک دولت نسبت به تصمیم شورای امنیت بی‌اعتنایی کند تمامی اعضای سازمان ملل تعهد حقوقی دارند تا اقدامات مصوب شورای امنیت را اجرا نمایند. این تعهد حقوقی ناشی از مواد ۲۵، ۱۰۳ و ۲ (۵) منشور می‌باشد. ماده ۲۵ اشعار می‌دارد: "اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را طبق این منشور قبول و اجرا نمایند". ماده ۱۰۳ نیز از کشورهای عضو می‌خواهد اولویت را به تعهدات خود در قبال منشور بدهند "در صورت تعارض بین تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آن‌ها بر طبق هر موافقتنامه بین‌المللی دیگر تعهدات آن‌ها به موجب این منشور مقدم خواهد بود". این بدین معنا است که کشورها نمی‌توانند تعهدات قبلی خود را به عنوان توجیهی برای عدم اجرای مصوبات شورای امنیت به کار ببرند. بند ۵ ماده ۲ منشور نیز از کشورها می‌خواهد از کمک به کشورهایی که تحت اقدامات مواد ۴۱ و ۴۲ قرار دارند اجتناب نمایند: "کلیه اعضا در هر اقدامی که سازمان بر طبق این منشور به عمل آورد به سازمان همه‌گونه مساعدت خواهند کرد و از کمک به هر کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل می‌آورد خودداری خواهند نمود".

سازمان‌های منطقه‌ای نیز براساس ماده ۵۲ منشور برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارای اختیاراتی هستند "هیچ یک از مقررات این منشور مانع وجود قراردادهای یا مؤسسات منطقه‌ای برای انجام امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که متناسب برای اقدامات

منطقه‌ای باشد نیست، مشروط بر این که این گونه قراردادها یا موسسات و فعالیت‌های آن‌ها با مقاصد و اصول ملل متحد سازگار باشد.^۱ در طول دوران جنگ سرد، شورای امنیت تنها دو مورد تحریم اعمال نمود که عبارت بودند از تحریم علیه دولت جان اسمیت در رودزیا (زیمبابوه) و علیه دولت آپارتاید در آفریقای جنوبی که سیاست‌های نژادپرستانه آن به طور وسیعی محکوم شده بود. در پاسخ به اعلامیه یک‌جانبه استقلال رودزیا از انگلستان در ۱۹۶۵، شورای امنیت در سال ۱۹۶۶ تحریم‌های اقتصادی محدودی را تحت فصل هفت منشور برای اولین بار در تاریخ سازمان ملل اعمال نمود. شورای امنیت متعاقباً مواضع خود را علیه دولت اقلیت سفیدپوست رودزیا از طریق ممنوعیت همه صادرات و واردات (به غیر از برخی مواد غذایی، وسایل آموزشی و دارو) سخت‌تر کرد و در سال ۱۹۶۸ این تحریم‌ها "همه‌جانبه" شدند.

تحریم‌های منشوری علیه آفریقای جنوبی نیز در سال ۱۹۶۳ آغاز شد در آن هنگام شورای امنیت "قویاً سیاست‌های آفریقای جنوبی را در ارتکاب تبعیض نژادی به عنوان عملی مغایر با اصول منشور سازمان ملل محکوم نمود" و اعلام داشت که "وضعیت آفریقای جنوبی به طور جدی صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکنده است".^۲ تحریم رودزیا و آفریقای جنوبی بیانگر این موضوع است که چگونه شورای امنیت سیاست‌های داخلی یک دولت را به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نموده و در نتیجه، اقدام خود در عمل به فصل ۷ منشور را توجیه کرده است. پایان جنگ سرد راه را برای اعضای دائمی شورای امنیت برای استفاده بیشتر از ابزارهای موجود در فصل ۷ منشور هموار نمود. این فعالیت جدید به خوبی در افزایش شدید صدور قطعنامه توسط شورای امنیت آشکار است. شورا در ۴۵ سال اول فعالیت خود تنها ۶۸۳ قطعنامه صادر کرد در حالی که در ۲۱ سال اخیر تا اواخر سال ۲۰۱۱ این عدد بر ۱۳۳۰ قطعنامه بالغ گردید که با افزایش اعزام هیأت‌های حافظ صلح و عملیات انسان‌دوستانه نیز همراه بود. این روند همچنین منجر به استفاده بیشتر شورا از تحریم‌های اقتصادی الزام‌آور گردید. استفاده از ابزار تحریم آن قدر گسترده گردید که دو تن از محققان برجسته در مسائل بین‌المللی یعنی دیوید کورت رایت و جورج لویز دهه ۱۹۹۰ را به عنوان "دهه تحریم" نام‌گذاری کردند.

از ۱۹۹۰ تا اواخر ۲۰۱۵ شورای امنیت تحریم‌های گسترده‌ای را علیه عراق، یوگسلاوی سابق، لیبی، لیبیا، سومالی، کامبوج (خمرهای سرخ)، هائیتی، آنگولا، رواندا، سودان، سیرالئون، افغانستان، ایران، لیبی (۲۰۱۱)^۳ و گروه طالبان (۲۰۱۱)^۴ اعمال نمود. هدف استفاده از تحریم‌های الزام‌آور به منظور اعمال فشار بر یک دولت یا یک بازیگر غیردولتی برای واداشتن آن‌ها به پیروی

1. S.C Res. 181 (1963)
 2. SC Res.1970 (26 February 2011)
 3. SC Res.1988 (17 June 2011)

از اهداف شورای امنیت بدون استفاده از نیروی نظامی اعلام شده است.^۱ مقامات سازمان ملل اصرار دارند منشوری اقدامات تنبیهی نیستند بلکه اقداماتی ترغیبی برای تعدیل رفتار تحریم‌شوندگان محسوب می‌شوند. پطرس غالی دبیرکل سابق سازمان ملل بر این عقیده بود که "هدف تحریم تعدیل رفتار عضوی است که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر افکنده است نه تنبیه و یا انتقام" (Boutros Ghali, 1995: 16) آقای بان کی‌مون نیز اظهار داشته است: "تجربه نشان داده است که تحریم‌ها به عنوان وسیله‌ای برای ترغیب بهتر عمل می‌کنند تا راهی برای تنبیه. تحریم‌ها باید همراه با چماق، هویج نیز همراه داشته باشند و تنها تهدید نباشند بلکه مشوق‌هایی برای اطاعت و پیروی از قانون نیز باشند. تحریم‌شدگان باید بدانند چه اقداماتی را باید انجام دهند و اطاعت کامل یا غیرکامل آن‌ها باید با گام‌های متقابل از جانب شورا همراه باشد، مانند کاهش یا لغو تحریم‌ها."^۲ الگوی جدید استفاده از تحریم‌ها نه تنها به خاطر افزایش تعداد قابل توجه هستند بلکه همچنین به خاطر تنوع اهداف شورای امنیت در اعمال آن‌ها نیز واجد اهمیت می‌باشند. شورای امنیت از اعمال تحریم برای اهداف ادعایی مانند دفع تجاوز، ایجاد دموکراسی، محکومیت نقض حقوق بشر و مجازات رژیم‌هایی که به تروریست‌ها و سایر گروه‌های درگیر در جرایم بین‌المللی پناه می‌دهند استفاده کرده است. در حالی که سابقاً از تحریم‌ها فقط علیه دولت‌ها استفاده می‌شده است، شورا در سال‌های اخیر به اعمال تحریم علیه بازیگران غیردولتی نیز اقدام کرده است، مانند خمرهای سرخ در کامبوج، اتحادیه ملی استقلال کامل در آنگولا و طالبان در افغانستان (Cortright, 1998: 10).

محدودیت‌های حقوقی تحریم‌های منشوری

الف) محدودیت موضوع ماده ۳۹ منشور:

ماده ۳۹ منشور سازمان ملل به شورای امنیت اجازه می‌دهد تنها در صورت احراز "تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز" از ماده ۴۱ آن منشور برای "حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی" استفاده نماید. در نتیجه، تحریم‌ها تنها زمانی می‌توانند علیه یک دولت اعمال شوند که آن دولت یا یک بازیگر غیر دولتی قادر به تهدید صلح و امنیت بین‌المللی بوده یا در عمل در حال تهدید صلح و امنیت بین‌المللی باشد. همچنین، "تهدید" نباید بر مبنای انگیزه‌های سیاسی پنهانی احراز شود. باید تهدید جدی و واقعی علیه صلح و امنیت بین‌المللی برای اعمال تحریم وجود داشته باشد و انگیزه اعمال آن ملاحظات سیاسی و داخلی یک یا گروهی از دولت‌ها نباشد. اما متأسفانه در عمل، اعضای شورای امنیت وجود تهدید را بر مبنای منافع و اولویت‌های سیاست خارجی خودشان احراز می‌نمایند. در مباحث بین‌المللی، در خصوص این که آیا اختیارات شورای

1. UN website, www.un.org/sc/committees.

2. S/2007/734

امنیت برای احراز تهدید براساس اصل ۳۹ منشور را می‌توان محدود کرد، نظرات متفاوتی ابراز شده است. برخی معتقدند که شورای امنیت اختیارات محدودی برای احراز تهدید علیه صلح دارد. در حالی که برخی دیگر معتقدند که اختیارات شورای امنیت برای ارزیابی براساس ماده ۳۹ اختیار تام بوده و قابل بررسی قضایی^۱ نیست (Farral, 2008: 70-71).

ب) محدودیت‌های موضوع ماده ۲۴ منشور

ماده ۲۴ منشور از شورای امنیت می‌خواهد "براساس اهداف و اصول سازمان ملل عمل نماید". در نتیجه، هیچ عمل شورای امنیت نمی‌تواند خارج از چارچوب اهداف و اصول سازمان ملل باشد (Bossuyt, 2010: 7). گرچه موارد مندرج در اصول و اهداف سازمان ملل بسیار وسیع، انتزاعی و مشمول تفاسیر مختلفی هستند، ولی برخی از دانشمندان حقوق بین‌الملل این اهداف و اصول را به صورت عباراتی عینی و عملی تعریف نموده‌اند که می‌تواند در عمل محدودکننده اقدامات شورای امنیت باشد. به عنوان مثال، شورای امنیت نمی‌تواند حق خودمختاری را نادیده بگیرد یا باید حقوق بنیادین بشر را مورد احترام قرار دهد و مسئولیت‌های خود را با حسن نیت انجام دهد (Farral, 2008: 69-70).

ج) محدودیت موضوع ماده ۱ منشور

بند یک از ماده یک منشور براین موضوع اقتضاء دارد که تحریم‌ها یا دیگر اقداماتی که شورا برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ می‌نماید براساس اصول عدالت و حقوق بین‌الملل باشند. بنابراین، تحریم‌ها باید مورد ارزیابی قرار گیرند تا ناعادلانه نبوده و ناقض حقوق بین‌الملل نباشند. بند دوم از ماده یک منشور مستلزم آن است که تحریم‌ها یا هر اقدام دیگر شورای امنیت بر مبنای احترام به اصول تساوی حقوق و خودمختاری ملل باشند. بند سوم ماده یک بر همکاری بین‌المللی در حل معضلات بین‌المللی و بر ارتقا و تشویق احترام به حقوق بشر تأکید می‌نماید. این اصول دامنه اقدامات شورای امنیت در ارتباط با تحریم را محدود می‌کند به گونه‌ای که شورای امنیت نمی‌تواند دخالت حقوق بشر در رژیم تحریم‌های خود را نادیده بگیرد و باید همواره حقوق بشر مردم کشورهای تحت تحریم را مدنظر داشته باشد.

محدودیت براساس ماده ۵۵: ماده ۵۵ منشور سازمان ملل محدودیت‌های حقوق بشری مندرج در بند ۳ ماده یک را مورد تأکید قرار می‌دهد که اشعار می‌دارد سازمان ملل باید موارد ذیل را ارتقا دهد:

الف) بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی؛

ب) حل مسائل بین‌الملل اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسائل مربوط به آن‌ها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزش؛

ج) احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب.

بنابراین تحریم‌های سازمان ملل که سطح زندگی اقتصادی را پائین آورده، مشکلات بهداشتی ایجاد نموده و محل رعایت حقوق بشر باشند ماده ۵۵ منشور را نقض می‌نمایند (Bossuyt, 2010: 7).

رابطه تحریم‌های منشوری و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی موارد حقوق بشری نسل دوم را مورد تاکید قرار داده است این حقوق عبارتند از: حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی (ماده ۱۱)، حق بهداشت (ماده ۱۲)، حق آموزش (ماده ۱۳) و ماده ۴ میثاق اخیرالذکر مشتمل بر مفهوم عدم عدول از برخی حقوق اساسی افراد است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که نهاد ناظر بر اجرای میثاق مربوطه است در نظریه تفسیری شماره ۸ مورخ ۱۹۹۷ تحت عنوان ارتباط بین تحریم‌های اقتصادی و احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اظهار داشته است:

"تحریم‌های اقتصادی باید همواره اصول مندرج در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مدنظر داشته باشند. این کمیته به هیچ‌وجه قصد زیر سؤال بردن لزوم اعمال تحریم در موارد مقتضی براساس فصل ۷ منشور سازمان ملل یا سایر حقوق بین‌الملل ذی‌ربط را ندارد، ولی آن اصول منشور که به موضوع حقوق بشر مرتبط هستند (مواد ۱، ۵۵ و ۵۶) می‌بایست مورد توجه قرار گیرند تا تحریم‌ها قابل اعمال گردند".^۱ در حالی که تأثیر تحریم‌ها از پرونده‌ای به پرونده دیگر متفاوت است، این کمیته بر این باور است که تحریم‌ها همواره بر حقوق شناسایی شده در میثاق تأثیر منفی دارند. به عنوان مثال، تحریم‌ها غالباً در توزیع مواد غذایی، دارو و مواد بهداشتی اخلاقی ایجاد می‌کنند و کیفیت غذا و دسترسی به آب آشامیدنی را به خطر می‌اندازند و به شدت در کارایی سیستم‌های آموزشی و بهداشت اولیه اخلاقی ایجاد می‌کنند و به حق کار آسیب وارد می‌کنند. به‌طور ناخودآگاه تحریم‌های اقتصادی می‌توانند منجر به استحکام قدرت اقشار سرکوب‌گر، پیدایی قطعی بازار سیاه و ایجاد منفعت بادآورده برای رانت‌خواران... شوند.^۲ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استدلال می‌کند که اصول میثاق که در تعدادی دیگر از اسناد حقوق بشری نیز تکرار شده است قابل اجرا در شرایط تحریم‌های اعمالی

1. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, *General Comment No.8*, document E/C.12/1997/8

2. Ibid, p.2.

توسط شورای امنیت هستند و این حقیقت که ملاحظه صلح و امنیت بین‌المللی مستلزم اعمال تحریم است توجیه‌کننده عدم اجرای حقوق بشر نیست. این کمیته در پایان نظریه تفسیری خود نتیجه می‌گیرد: "همچنان که جامعه بین‌المللی اصرار می‌کند که هر کشور تحت تحریم باید به حقوق سیاسی و مدنی شهروندانش احترام بگذارد به همین اندازه آن دولت و جامعه بین‌المللی می‌بایست هر اقدام ممکن را برای حمایت از مردم آسیب‌دیده انجام دهد".^۱

کمیسیون فرعی ارتقا و حمایت از حقوق بشر^۲ طی قطعنامه‌ای در سال ۱۹۹۷ تحت عنوان "عواقب ناگوار تحریم‌های اقتصادی بر بهره‌مندی از حقوق بشر" اظهار داشته است که تحریم‌های اقتصادی "به صورت بسیار جدی بر مردم بی‌گناه به‌ویژه ضعفا، فقرا، زنان و کودکان تأثیر منفی می‌گذارد و... اختلاف در توزیع درآمدها را وخیم‌تر می‌کند". کمیسیون مذکور از تمامی کشورهای ذی‌ربط درخواست نمود تا تصویب تحریم‌های اقتصادی را مورد تجدید نظر قرار دهند.^۳ مصوبه سال ۱۹۹۹ کمیسیون فرعی مجدداً تصریح کرد که اقداماتی نظیر تحریم‌های اقتصادی باید محدودیت زمانی داشته و به هیچ‌وجه به شهروندان بی‌گناه صدمه وارد نسازند. در این چارچوب، کمیسیون فرعی نیاز به "احترام به منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول مربوطه کنوانسیون ۱۹۴۹ و دو پروتکل اضافی که گرسنگی جمعیت غیرنظامی و تخریب ضروریات زندگی را ممنوع کرده است مورد تأکید قرار داد".^۴ در آگوست سال ۲۰۰۰ کمیسیون فرعی قطعنامه جدیدی را درخصوص "حقوق بشر و عواقب بشردوستانه تحریم‌ها از جمله تحریم‌های اقتصادی" به تصویب رساند که در آن از کمیسیون حقوق بشر درخواست شد تا توصیه‌های زیر را ارائه نماید: ۱. تمامی نهادهای مربوط، ارگان‌ها و آژانس‌های سازمان ملل اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را رعایت و اجرا نمایند. ۲. شورای امنیت در گام اول استفاده از سازوکار تحریم‌ها را کاهش داده و از طریق تجویز واردات کالاهای مدنی به‌ویژه تضمین دسترسی به غذا و کالاهای پزشکی و دارویی و سایر محصولات حیاتی برای بهداشت مردم در تمامی موارد تأثیر منفی آن را بر شهروندان از بین ببرد. در همین قطعنامه کمیسیون فرعی "جامعه بین‌المللی را به اتخاذ اقدامات سریع و مناسب برای کاهش آلام مردمی که تحت تأثیر تحریم‌های اعمال شده علیه کشورشان قرار گرفته‌اند به‌ویژه از طریق تسهیل توزیع غذا و کالاهای پزشکی و دارویی ترغیب می‌نماید" و "دولت‌های تحت تحریم و همچنین کشورهایی که مسئول اجرای این تحریم‌ها هستند را ترغیب نمود که به تعهدات حقوق بشری و تعهدات

1. Ibid.

۲. پس از تأسیس شورای حقوق بشر این کمیسیون به نام ارگان مشورتی شورای حقوق بشر تغییر نام یافته است.

۳. قطعنامه کمیسیون فرعی شماره ۱۹۹۷/۳۵

۴. مصوبه کمیسیون فرعی شماره ۱۹۹۹/۱۱۰

صلح و امنیت بین‌المللی خود احترام گذاشته و از هر وسیله موجود برای کاهش بحران بشردوستانه در کشورهای تحت تحریم استفاده نمایند^۱.

آثار منفی تحریم‌های منشوری بر نسل دوم حقوق بشر

الف - حق بر سلامتی

حق بهره‌مندی از عالیترین استاندارد قابل حصول به عنوان حقی بنیادین توصیف می‌شود که برای تحقق و بهره‌مندی از سایر حق‌ها و آزادی‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است هرچند این حق به لحاظ محتوا به نسل دوم حقوق بشر تعلق دارد حق بر سلامتی طیف وسیعی از از حق‌ها گرد هم آورده است که هر کدام نقشی انکارناپذیر در تحقق آن ایفا می‌کنند براین اساس حق برخورداری از آب آشامیدنی سالم، غذای کافی و مقوی، محیط زیست پاک و ... مقوم ذات سلامتی انسان به شمار می‌رود در تحریم شورای امنیت علیه عراق و صدور قطعنامه نفت در برابر غذا حق بر آب آشامیدنی و حق غذای کافی به صراحت نقض شد در کنار این مسئله برخورداری از حق حیات بدون برخورداری از سلامتی جسم و روان خواهد بود همین واقعیت شاهدی براین مدعا است که کلیه مصادیق حقوق بشر متقابلاً به هم وابسته و غیر قابل تفکیک از هم و مرتبط به هم می‌باشند تحقق عالی‌ترین استاندارد مورد نظر ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در پرتو به کارگیری حداکثر امکانات اقتصادی و فنی و طی روندی ضرورتاً تدریجی الحصول، رنگ واقعیت به خود خواهد گرفت از این رو میزان تحقق و بهره‌مندی از این حق، رابطه‌ای مستقیم با سطح رشد و توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی یک کشور دارد میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی با علم این واقعیت از دولتهای عضو می‌خواهد تا با بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی اقتصادی و فنی با یکدیگر، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را جهت ارتقاء میزان بهره‌مندی از این حق افزایش دهند ماده ۱۲ میثاق اشعار دارد که:

۱- کشورهای عضو این میثاق حق هر فرد را به بهره‌مندی از عالیترین سطح قابل حصول سلامتی جسمی و روانی را بع رسمیت می‌شناسند.

۲- اقداماتی که دولتهای عضو این میثاق باید اتخاذ کنند شامل اقدامات ضروری برای تامین امورذیل خواهد بود:

الف- تقلیل میزان مرده متولد شدن نوزادان و مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان

ب- بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات

ج- پیشگیری، معالجه و کنترل بیماریهای فراگیر، بومی، شغلی و دیگر بیماری‌ها

د- ایجاد شرایط مناسب برای تامین خدمات پزشکی در مواقع ابتلا به بیماری

همچنین کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان نهاد ناظر بر اجرا و تفسیر میثاق در سال ۲۰۰۰ تفسیر عمومی شماره ۱۴ خودرادر موضوع حق بر عالی ترین استاندارد قابل حصول سلامتی صادر نمود (committee on economic, social & cultural right)
 the right to the highest attainable standard of health “general coment (no .2000

ب- حق برخوردارگی از سطح زندگی مناسب

هر فرد بشری حق دارد سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک، مسکن، مراقبت های طبی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند. این حق در مواد ۱۱ و ۱۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده است به موجب این مواد حق هر فرد و خانواده اش را در دارا بودن سطح زندگی مناسب و ارتقای مداوم این شرایط به رسمیت شناخته است. تحریم ها با تاثیر منفی بر تولید، اشتغال و درآمد ملی باعث بازدهی کم اقتصادی، توزیع کم و غیرعادلانه کالا و خدمات و ایجاد بی نظمی و شکاف اجتماعی گردیده و در مجموع سطح زندگی و معیشت مردم را تنزل و آنها را از داشتن استانداردهای مناسب زندگی محروم می کند گزارشات آماری در مورد عراق و هائیتی این نکته را تایید می کند (Garfield.2002 p94) در قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت علیه دولت جمهوری اسلامی ایران به لحاظ محدودیت های شرکتهای ایرانی به تجهیزات پزشکی و فروش نفت که عواید آن در تامین امکانات رفاهی اثر گذار بود حق برخوردارگی از سطح زندگی نقض و کم داشت به فاجعه انسانی در مناطق محروم می شد. که با تعلیق تحریم های منشوری به موجب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت اثرات آن کاسته شد.

ج- حق بر بهداشت

حق بهداشت و برخوردارگی از امکانات و خدمات پزشکی و درمانی از حقوقی است که مورد تاکید ویژه اسناد حقوق بشر علی الخصوص میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است حق همه انسانها از بهترین حال سلامت جسمی و روحی به رسمیت شناخته (ماده ۱۲ میثاق) و برای تامین کامل این حق، کشورها را متعهد می نماید به منظور کاهش سقط جنین، کاهش میزان مرگ و میر کودکان بهبود شرایط رشد سالم کودکان، بهبود خدمات بهداشتی، پیشگیری، معالجه و مبارزه با بیماری ها به خصوص بیماریهای واگیردار و شایع، ایجاد شرایط مناسب برای تامین مراکز و کمک های پزشکی برای عموم، اقدامات لازم را انجام دهند. (بند ۲ ماده ۱۲ میثاق) برخوردارگی از این حقوق در کنوانسیون حقوق کودک نیز در ۲۴ کنوانسیون مورد تاکید قرار گرفته است. در گزارشات نهادهای بین المللی در مورد عراق تحریم ها با برهم زدن زیرساخت های لازم برای خدمات بهداشتی و درمانی، مرگ و میزها را به شدت

افزایش داد. در این گزارش‌ها تصریح شده تحریم‌های اقتصادی شدید باعث کمبود مواد غذایی و تخریب و نابودی سیستم آب آشامیدنی سالم و در نتیجه سو بر تغذیه و افزایش بیماری‌ها، منجر به مشکلات شدید بهداشتی و فقدان اقلام دارویی گردیده است (General Assembly Resolution 242-Annex II 1997) از این رو در خواست‌های زیادی مطرح شد تا به منظور پایان دادن به رنج‌ها و آلام بشری تحریم‌های عراق برچیده شود (Cunpress Release GA/9618.30 September 1999). مصداق نقض این حق قطعنامه‌های ۱۹۰۳ و ۱۷۳۴ و ۱۹۲۹ شورای امنیت علیه دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که واردات انواع مواد موثر در قلمرو پزشکی به کشور مشمول ممنوعیت بود.

د - حق بر آموزش و پرورش

براساس ماده ۱۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق دسترسی هر فردی را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسد. آموزش و پرورش که هدف آن رشد کامل شخصیت انسان و تقویت احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر باشد به این منظور کشورهای عضو این میثاق متعهد شده‌اند آموزش و پرورش ابتدایی را اجباری نمود و به صورت رایگان در دسترس عموم قرار دهند. تعمیم آموزش و پرورش متوسطه و همچنین آموزش عالی به کلیه وسایل مقتضی برای عموم نیز از جمله تعهدات اعضای این میثاق می‌باشد. (بند ۲ ماده ۱۳ میثاق)

ساختار آموزشی کشوری که تحت تحریم‌های شدید قرار می‌گیرد به دلیل مشکلات اقتصادی و نبود بودجه لازم، دچار اختلال جدی می‌شود و حق طیف گسترده‌ای از مردم به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان در دسترسی به آموزش و پرورش و خدمات کافی در این زمینه تضییع می‌گردد.

حق برآموزش از جمله حق‌هایی است که اسناد بین‌المللی این حق را در زمره حقوق فرهنگی بشر دانسته است حق برآموزش به عنوان سازنده زیربنای فهم و درک انسانی و برای تعیین و تحقق دیگر حقوق معنوی از جمله آزادی اندیشه بیان و مذهب، از منزلتی بسیار رفیع در میان سایر حقوق انسانی برخوردار است و با عنایت به مفاد اسناد حقوق بشری می‌توان گفت این حق واجد وصف آمرانه است از سوی دیگر این آموزش نمی‌تواند و نباید فارغ از الزامات حقوق بشری باشد حق برآموزش فارغ از حق برآموزش فردحداقلی معنا نمی‌یابد، شروع فرآیند آموزش، بدون ایجاد زمینه‌ای برای توانمندسازی اندیشه درباره درستی یا نادرستی شکل و ماهیت آموزش و نیز بی توجهی به لزوم آموزش عقلانی و سیستماتیک می‌تواند خود به نتیجه‌ای بس ناگوار ختم می‌گردد در تحریم عراق عملاً حق آموزش و پرورش کودکان به مخاطره افتاد طوری که براساس گزارش کمیته تحریم‌ها از هر ۱۰ کودک عراقی ۳ کودک به واسطه این تحریم از

آموزش محروم شده اند .

نتایج تحریم های منشوری بر شهروندان کشور هدف

آنچه پیش رفت حاکی از این است که وضع و اعمال تحریم های منشوری ناقض حقوق بشر است و فاقد مشروعیت حقوقی می باشد عدم مشروعیت حقوقی اینگونه تحریم ها ، دو نتیجه در پی دارد : عدم الزام کشورها به رعایت این تحریم ها و ایجاد مسئولیت بین المللی برای سازمان ملل و شورای امنیت در قبال نقض حقوق بشر است .

هر چند براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل ، شورای امنیت صلاحیت استفاده از ابزار تحریم در راستای حفظ صلح و امنیت بین المللی را دارد اما این صلاحیت محدود به شرایطی از جمله رعایت اهداف و اصول ملل متحد است . در واقع شورای امنیت در اقدامات خود وظیفه دارد بر طبق حقوق بین الملل به ویژه منشور سازمان ملل رفتار نماید . از سوی دیگر مطالعه پیامد این تحریم ها بر کشورهای هدف نشان می دهد تحریم ها ، اثرات زیان بار و فاجعه آمیزی بر حقوق بشر داشته و مردم عادی به عنوان قربانی اصلی ، بیشترین رنج و مشقت را در بسیاری از تحریم ها متحمل شده اند . به لحاظ لازم الاجرا بودن بسیاری از موازین حقوق بشر و همچنین با توجه به محدودیت های قانونی شورای امنیت در منشور ، وضع و اعمال تحریم های ناقض حقوق بشر خارج از قلمرو شورای امنیت تلقی شده و از اعتبار حقوقی برخوردار نمی باشد . از این رو کشورهای عضو سازمان ملل که براساس ماده ۲۵ منشور ، اقدامات شورای امنیت را در صورت انطباق با منشور پذیرفته اند ، به دلیل تخطی این شورا از اختیارات قانونی ، الزام و تکلیفی در رعایت تحریم های ناقض حقوق بشر ندارد بلکه تعهدات این کشورها در زمینه حقوق بشر ، مقابله با این گونه تحریم ها را اقتضاء می نماید . ضمن اینکه برخورداری سازمان های بین المللی از شخصیت حقوقی ، هم چنان که حقوق و صلاحیت هایی را برای آنها به دنبال دارد ، تکالیفی را نیز در رعایت قوانین بین المللی ، متوجه آنان می نماید که در صورت تخلف ، مسئولیت بین المللی آنها را در پی دارد . از این رو ، شورای امنیت و به تبع آن سازمان ملل به دلیل وضع تحریم های ناقض حقوق بنیادین بشر مرتکب تخلف از قوانین بین المللی مطرح در منشور و معاهدات بین المللی حقوق بشر شده و دارای مسئولیت بین المللی ، از جمله لزوم برگرداندن وضع به حالت سابق و جبران خسارت را بر دوش کشند .

همان گونه که توسط آژانس های سازمان ملل ، سازمان های غیردولتی ، سازمان های حقوق بشری و بشردوستانه به طور مستند ذکر گردید ، تحریم ها در عراق موجب فاجعه بشری قابل مقایسه با بدترین فجایع دهه های گذشته شد . مناقشه زیادی در ارتباط با تعداد دقیق مرگ ناشی از تحریم ها وجود دارد که از نیم میلیون تا یک و نیم میلیون که اکثریت را کودکان تشکیل می دهند برآورد شده است . در سال ۱۹۹۹ یونیسف پس از انجام تحقیقات درخصوص مرگ و میر کودکان و مادران در عراق ، نتیجه گیری نمود که در مناطق پرجمعیت جنوب و مرکز کشور

کودکان زیر ۵ سال دو برابر نرخ مرگ‌ومیر ۱۰ سال پیش دچار مرگ شده‌اند.^۱ یک کارشناس درخصوص اثرات تحریم بر شهروندان اظهار داشته است که "علل اصلی افزایش مرگ‌ومیر کودکان شامل آب آشامیدنی آلوده، فقدان غذای با کیفیت، کمبود شیر مادران و کمبود امکانات مراقبت‌های بهداشتی بوده است. فقدان غذا ناشی از تحریم‌ها ۳۲ درصد کالری سرانه را در مقایسه با وضعیت قبل از جنگ خلیج فارس کاهش داده است" (Garfield, 1999:10). به دلیل فقدان امکانات پزشکی، از شروع تحریم تا سال ۱۹۹۷، ۳۰ درصد از تخت‌های بیمارستانی غیرقابل استفاده شدند، ۷۵ درصد از تجهیزات بیمارستانی فاقد کارایی شده و ۲۵ درصد کل مراکز درمانی عراق بسته شدند.^۲ پانل کارشناسی شورای امنیت که برای نظارت بر اجرای قطعنامه‌های تحریم تشکیل شده است در گزارش خود وضعیت درمانی و بهداشتی عراق را چنین توصیف کرده است:^۳ "در تقابل واضح با وضعیت ماقبل ۱۹۹۱-۱۹۹۰، نرخ مرگ‌ومیر نوزادان در عراق امروزه در زمره بالاترین نرخ در جهان است. وزن پائین نوزادان در هنگام تولد حداقل ۲۳ درصد از ولادت‌ها را تحت تأثیر قرار داد، سوء تغذیه مزمن یک چهارم کودکان زیر ۵ سال را در بر می‌گیرد. تنها ۴۱ درصد از کل جمعیت کشور به‌طور منظم به آب آشامیدنی دسترسی دارند و ۸۳ درصد از مدارس نیازمند تعمیرات اساسی هستند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اظهار داشته است که سیستم مراقبت بهداشتی عراق امروزه در وضعیت فرسودگی قرار دارد. برنامه توسعه سازمان ملل نتیجه‌گیری نمود که ۷ میلیارد دلار نیاز است تا بخش برق کشور به ظرفیت قبل از ۱۹۹۰ برسد."^۴ دبیرکل سازمان ملل نیز در گزارش خود در مارس ۲۰۰۰ نگرانی ویژه‌ای را در ارتباط با وضعیت ناگوار کودکان عراقی ابراز داشت.^۵ بحران بهداشت در عراق با سایر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در آن کشور همراه بود. گرچه از میزان مرگ‌ومیر به خاطر معافیت‌های بشردوستانه کاسته شد ولی نقض سیستماتیک و گسترده سایر حقوق مردم عراق به دلیل تحریم همچنان باقی بود. به عنوان مثال قدرت خرید درآمد مردم اواسط ۱۹۹۰ حدود ۵ درصد خرید قبل از سال ۱۹۹۰ بوده است.^۶ همچنان که برنامه توسعه سازمان ملل اظهار داشت: "عراق تغییر از رفاه نسبی به فقر گسترده را تجربه کرده است."^۷ پیشرفت‌های گذشته در آموزش و سوادآموزی کاملاً طی ۱۰ سال گذشته معکوس گردید تأثیر منفی تحریم‌های منشوری بر نسل دوم حقوق بشر به ویژه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم کشورهای تحت تحریم به‌گونه‌ای که موجب

1. UNICEF Press Release CF/DOC/PR/1999/29

2. Ibid.

3. Report of the Second Panel Established Pursuant to the Note by the President of the Security Council of 30 January 1999 (S/1999/100)

۳. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: بیانیه مطبوعاتی دبیرکل شماره ۷۳۳۸، مورخ ۲۴ مارس ۲۰۰۰

5. UNICEF, Situation Analysis of Children and Women in Iraq, Baghdad, 30 April 1998.

6. S/1999/356, annex II.

نقض فاحش این حقوق می‌شود، واقعیتی غیرقابل تردید است. گرچه شورای امنیت تأثیرات منفی تحریم را ناخواسته قلمداد می‌نماید و با ابتکاراتی نظیر "تحریم‌های هوشمند"^۱ و یا "تحریم‌های هدفمند"^۲ قصد دارد از اتهام عاملیت نقض حقوق بشر خود را برهاند؛ مع‌ذک براساس عقیده عمده کارشناسان، شورای امنیت در نقض حقوق بشر مردم کشورهای تحت تحریم سهیم بوده و از عاملان نقض حقوق بشر محسوب می‌گردد. از سوی دیگر، سازمان ملل یکی از اهداف خود را حمایت و ارتقای حقوق بشر قرار داده و در این ارتباط جدی به نظر می‌رسد ولی در عمل، شورای امنیت خود به ارتقاء و حمایت از حقوق بشر پایبند نیست و ناقض اهداف منشور به شمار می‌رود. لازم است تا نهادی در درون سازمان ملل شکل یابد تا بر عملکرد این شورا نظارت کند که البته این امر به دلیل ساختار سازمان، عملی به نظر نمی‌رسد. راه دیگر، به انجام رساندن اصلاحات در شورای امنیت از طریق افزایش تعداد اعضای دائم و غیردائم این شورا و حذف حق وتو است که این اصلاحات گرچه مدت مدیدی است در دستور کار مجمع عمومی سازمان قرار دارد ولی تاکنون به دلیل عدم رغبت و تمایل اعضای دائم شورای امنیت و اختلافات و رقابت کشورهای داوطلب ورود به شورا به سرانجام نرسیده و بعید است در آینده نزدیک فرجامی پیدا کند. برخی نظارت نهاد قضایی سازمان ملل یعنی دیوان بین‌المللی دادگستری بر مصوبات شورا را نیز مطرح کرده‌اند، ولی بدیهی است که دیوان هیچ‌گونه صلاحیتی بر مصوبات شورای امنیت ندارد و نظرات این دیوان برای شورا الزام‌آور نیست و این موضوع در موارد متعددی توسط خود دیوان نیز ابراز شده است.^۳ نهایت آن که کشورهای عضو سازمان ملل باید تلاش کنند - گرچه در مقابل صلاحیت‌های فوق‌العاده اعضای دائم تلاش آن‌ها ممکن است نتیجه ندهد - تا حاکمیت قانون را بر رفتارها و مصوبات شورای امنیت حاکم کنند، به امید آن که در روند کار، شفافیت و پاسخ‌گویی شورا افزایش یابد و از این طریق مانع از نقض حقوق بشر توسط شورای امنیت شوند.

1. Smart Sanctions

2. Targeted Sanctions

۱. در کنفرانس سانفرانسیسکو موضوع امکان اجازه به دیوان بین‌المللی دادگستری برای اعمال صلاحیت اجباری بر قانونی بودن عملکرد ارکان سیاسی سازمان ملل به‌ویژه شورای امنیت مطرح شد که با مخالفت شدید قدرت‌های بزرگ مواجه گردید. براساس ماده ۵۹ اساسنامه دیوان تصمیمات این دیوان تنها برای اعضا و در ارتباط با پرونده مورد رسیدگی در دیوان الزام‌آور است. درخصوص موضوع "رسیدگی قضایی" مصوبات شورا توسط دیوان، (آن‌گونه که در سیستم‌های قضایی برخی کشورها وجود دارد) مباحث زیادی مطرح گردیده و حتی خود دیوان نیز به آن پرداخته است. در صورتی که منظور از رسیدگی قضایی، صدور رأی الزام‌آور توسط دیوان باشد باید گفت در این صورت هیچ‌گونه رسیدگی قضایی علیه شورا توسط دیوان وجود نداشته و نخواهد داشت و در تصمیمات خود دیوان نیز به آن تصریح شده است.

فهرست منابع

1. Bossuyt, Marc (2010), *The adverse consequences of economic sanctions on the enjoyment of human rights*, (E/CN.4/Sub.2/2000/33).
2. Boutros Ghali, Boutros (1995), *Supplement to an agenda for peace*, S/1995/1.
3. Boutros Ghali, Boutros (1999), *Unvanquished*, Random Hous, INC, New York.
4. Brzoska, Michael (ed.), (2001), *Design and Implementation of Arms Embargoes and Travel and Aviation Related Sanctions: Results of the "Bonn-Berlin Process"* Bonn International Center for Conversion, Bonn.
5. Center for Economic and Social Rights (1996), *UN Sanctioned Suffering: A Human Rights Assessment of United Nations Sanctions on Iraq*, New York: Center for Economic and Social Rights.
6. Conlon, Paul (2001), *United Nations Sanctions Management: A Case Study of the Iraq Sanctions Committee, 1990-1994 (Procedural Aspects of International Law Series)*, Hoteli Publishing.
7. Cortright, David and Lopez, George A. (2014), *The Sanctions Decade: Assessing UN Strategies in the 1990s*, Lynne Rienner Publishers.
8. Cortright, David and Lopez, George A. (2002), *Sanctions and the search for security: challenges to UN action*, Boulder: L. Rienner Publishers.
9. Cortright, David, Lopez, George A., Minear, Larry, & Weiss, Thomas G. (1998), *Toward More Human and Effective Sanctions Management: Enhancing the Capacity of the United Nations System*, The Thomas J. Watson Jr. Institute for International Studies.
10. Dedring, Juergen, (2013), *The United Nations Security*

Council in the 1990s, State University of New York Press, New York.

11. Farral, Jeremy (2010), *The World Summit process and UN sanctions reform: between rhetoric and force*, in Peter G. Danchin and Horst Fischer (eds.), *UN reform and collective security*, Cambridge University Press.

12. Farral, Jeremy and Rubenstein, Kim, (eds), (2009), *Sanctions, Accountability and Governance in a Globalised World (Connecting International Law with Public Law)*, 1st edn, Cambridge University Press.

13. Farral, Jeremy (2008), *United Nations Sanctions and the Rule of Law*, 1st edn, Cambridge University Press.

14. Fasulo, Linda (2009), *An Insider Guide to the UN*, 2nd edn, Yale University Press.

15. Garfield, Richard (1999), *Morbidity and mortality among Iraqi children from 1990 through 1998: assessing the impact of the Gulf war and economic sanctions*, (www.cam.ac.uk/societies/casi)

16. Genugten, W. Van (2003), *United Nations Sanctions: Effectiveness and Effects, Especially in the Field of Human Rights, a Multi-Disciplinary Approach*, Intersentia.

17. Price, Richard M. and Zacher Mark W., (eds), (2004), *The United Nations and Global Security*, 1st edn, Palgrave Macmillan.

18. Reisman, W. Michael and Stevick, Douglas L., (1998), *The Applicability of International Law Standards to United Nations Economic Sanctions Programmes*, *European Journal of International Law*, No. 9.

19. United Nations Inter-Agency Standing Committee and Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA), (2004), *Sanctions Assessment Handbook*, United Nations, New York.

20. Vone Sponeck, Hans, C. (2006), *A Different Kind of War: The UN Sanctions Regime in Iraq*, Berghahn Books

